

این روزنامه شریفه ماهی یک نوبه بطبع میرسد ————— قیمت نسخه یکقران سالانه یک تومان و دو هزار و شصت



نواب متطاب اشرف ارفع عظم و الاسطان خود میرزا ظل اسطان حکمران آصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان  
و لرستان و کرمانشاهان و کردستان و غیره

نواب متطاب معظم در پست شهر صفر مظفر سال هزار و دویست و شصت و شش متولد شدند و در سنه هزار و دویست و پنجاه و هفت بقعب بمین الیه  
مقرب گردیدند در هزار و دویست و شصت و شش در او ان حکمرانی فارس این لقب جلیل مبدل و لقب نخل اسطان گشته اکنون که سال هزار  
و سیصد و بیست و هفت حکمرانی ایالات و ولایات آصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشاهان و کردستان

و گلپایگان و خوانسار و توابع شخص شاخص ایشان اختصاص دارد و کلیه امتیازات بزرگ این دولت جاوید شوکت علیه را دارا میباشند تا اتمام آنکه در  
تعالی شود

## جناب آقا

جناب میرزا یوسف ابن مرحوم میرزا حسن ستونی الممالک تابع جد از خدمت گذاران خاص این دولت جاوید اختصاص بوده و بیاد و نصب ستونی الممالک  
این دولت جاوید عدت علیه در جمعیت صدال است که مخصوص خانواده ایشانست و در سلک ذراعی عظام احدی محترم تر از ایشان نبوده و نیست هر چه  
استیارات درین دولت قویوکت علیه برای حال معظم ارکان منظم بوده یا جدید وضع شده از شمال شمال باخون نشانهای بزرگ از قبیل قدس  
و غیره همه را بالاستحقاق دارا گردیده و جود ایشان برای دولت منقسم و قدر و مقامات عالیه ایشان معلوم است از سال هزار و دویست و دو چار  
اول دولت علیه بحالت کاروانی جناب معظم واکه اگر گردید اگر چه رتبا ایشان همیشه دارای این مقام و مرتبت بوده و بیاد و دو سال قبل منضم چهار  
مرحمت و پاس حقوق خدمات لایقه جناب آقا منصب ستونی الممالکی را بمیرزا حسن ولد ایشان منقوض فرمودند چنانچه مرتبت ایشان این اوان بالاتر  
و بالاتر از این رتبه و شنواتت در هر حال جناب معظم متقدم خدمات جليلة این دولت ابدایت بوده و بسند و اکنون نیز وزارت خطه و یار و یار است  
وزرا مخصوص شخص جلیل محترم ایشانست و بر طبق مقاصد سنیه مقدمه شاهی دوایر در اجبه بخود را اداره می نمایند

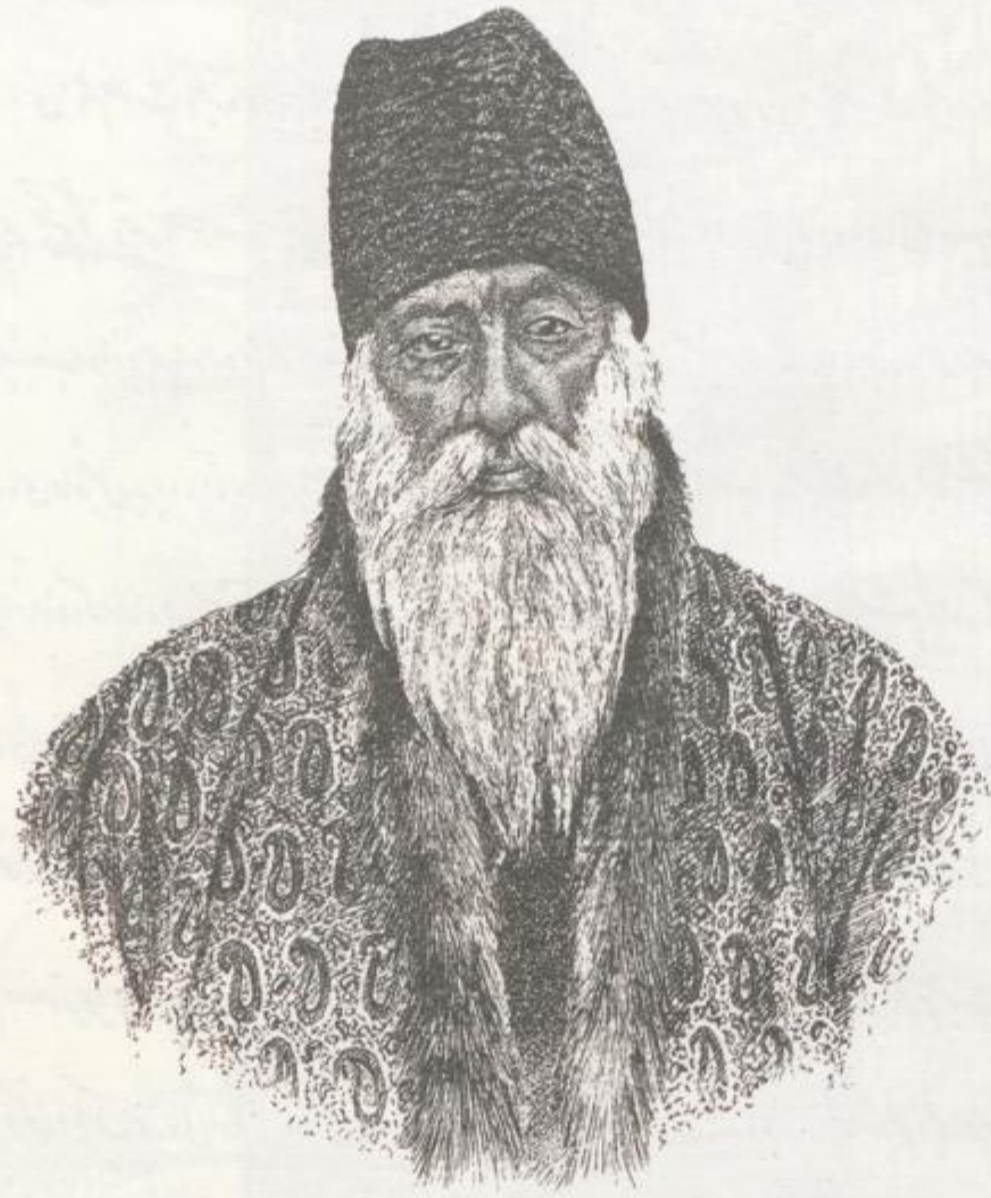
## بسمه تبارک و تعالی

چون منظور مقصود عمده دوایر روزنامهجات و اداره وزارت نظایات اینست که مطالعه کنندگان روزنامه با مقام فوائد مایل هر گونه بهر  
از ملاحظه آن و راقی شریفه حاصل نمایند و یکی از فواید عظیمه مطالعه سفرنامه های مبارکه بهایونیت که تعلیم مغز مردم شاهی نگاشته شده  
حاوی مطالب قیمه جبرانی و بعضی قایق تاریخی و نکات دیگر است که بهترین اسلوبی در قلم یافته بنا بر استدراک این فیض و افاضت ما فواید  
و منافع این روزنامه شریفه را بنکارش روزنامه سفر خیر اثر شاهی بنا بر استاق در نه شصت هزار و دویست و نود و نه تکمیل می نمایم و بیاد  
ان کارش اعلی ز قرازی است

## روزنامه سفر خیرت اثر شاهی دایم ملکه و سلطانه بنا بر استاق

روز شنبه دهم شهر شعبان المعظم هزار و دویست و نود و نه یونیت ل در عمارت اندرونی در صاحبقرانیه شمیران بجزم بیلاقات لار و بنا بر استاق و غیره  
در خاتم هوا کرم است امسال نمونده گراما زیاد است تا بعد چو شود طهران که خیلی کرم است حال دهم سرطان است کندم و جو شمیرانات اول در دست  
محمد ندرجه از زانی و فراوانیت مردم آسوده و خلاصه رستم بیرون دیوانخانه که بسوزنات تمام است و کار میکنند نشانده امسال تمام خواهد شد

نایب‌الشیخه مشیرالدوله نصرالملک و بعضی از صاحبان غیره حاضر بودند بعد سوار کالکه شده رانیم چن راه اجودان باشی و سلیمان خان صاحب  
 رسیدند قدرتی مایشات شد رانیم بالاتر از اراج سوادا سب شدم نایف الملک و دست نفر از سواوه جدید ابو الجحی خوشن را که تا هزار سوار باید  
 آورده بود در صحرا ایستاده بودند از سان که شتند سوار تا یکده ستمه پسر محمد خان وندی بود بسیار خوب سواری بودند دسته دیگر خسته و سوار سوزن



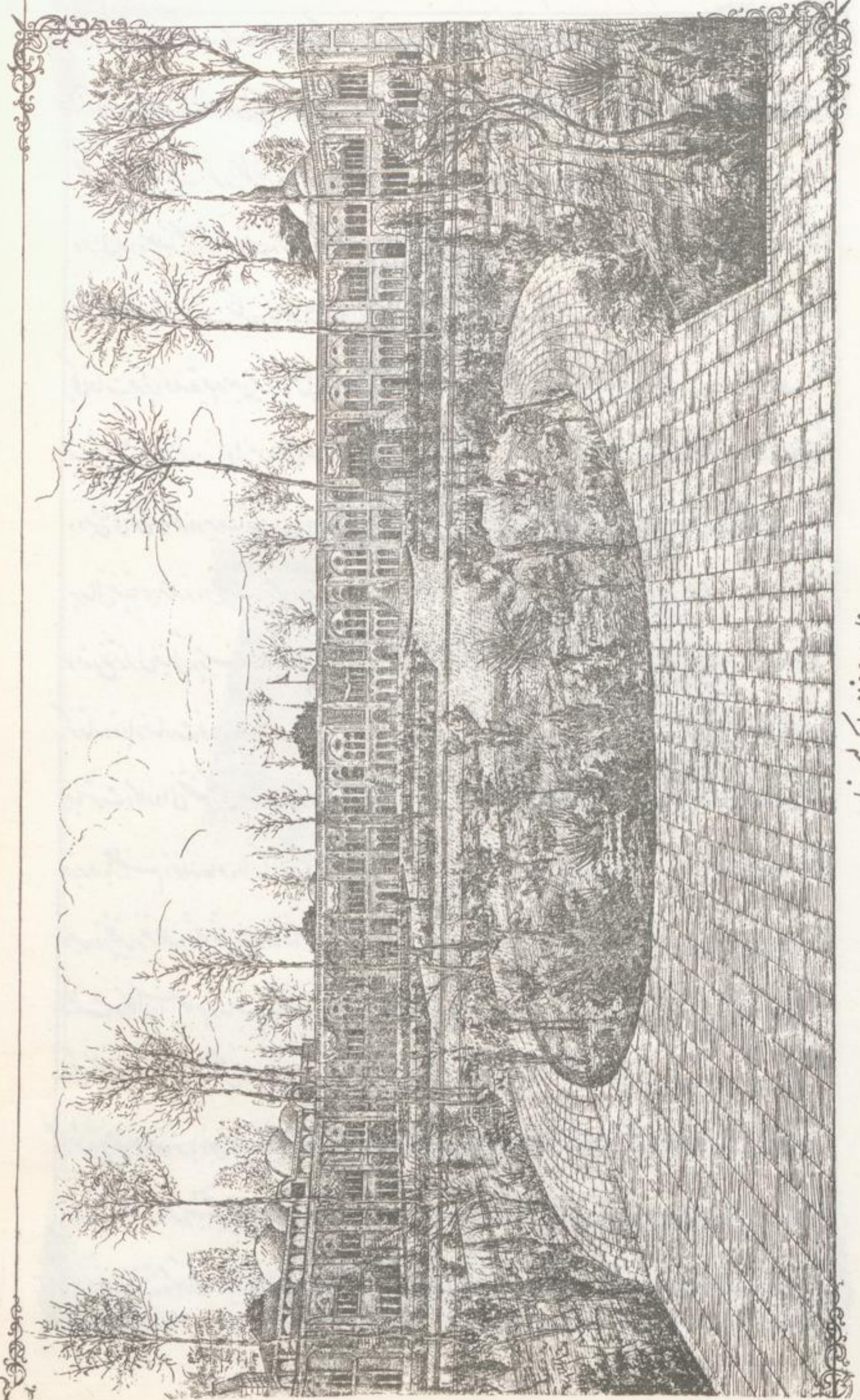
باز هم نایب‌الشیخه و سلیمان خان صاحب یار و غیره و غیره فرمایشات کردیم بعد فرستیم نهاد در دره کوه قل نیز خوردیم اجودان مخصوص و نایف الملک و عمید  
 که باید بشهر معاودت کنند بودند بعد از نماز شغول کاخذ خوانی و حکام نوشتن غیره شده بعد عصری رانیم بالای کوه سواکانت برای منزل که چشمه چکانک است  
 همو خیلی گرم بود بطوریکه آدم خیلی صدمه میخورد آمد قلی خان میر آخر و نایب نظر و جعفر قلیخان و کبرخان و امین حضرت و عظیم طوت و سمرزاد محمد و غیره  
 در رکاب بودند فرستیم بکلاه فرنگی باغ کنار رودخانه بسیار خوب دخت کاری و بسکلی سازی شده است این باغ و عمارت و احب الامر امین سلطان است

و احوال باغ را چنانکه ساخته است که چند سال دیگر چنانکه خواهد شد این باغ در دو خانه را این سلطان آقا حیدر برادر آقا محمد تقی مرحوم سپرده است  
 و او هم مواظب است بعد که آفتاب رفت سوار شده رانندیم برای سنبل دم در باغ عرصه الملک و زیندار باشی که تازه از عقب رسیده بجنور آمدند خلاص  
 رفتیم تا ساعت از شب زنده وار و منزل که جای پیش و چشمه چار است وارد شدیم هوای شب بد بود این سلطان و آیتخان و صنیع الدوله و حکیم  
 طولوزان و ملک الاطبا و شیخ الطبا این افراد در رکاب هستند میزراکم خان ناظم الدوله که چندی در طهران بود این روزها از راه رشت بفرمانستان مراجعت کرد  
 روز چهارشنبه یازدهم صبح سوار شده رفتیم نیمه بیدی و در صحن بنا خوردیم تا عصر آنجا بودیم کاغذ و نوشتجات ملاحظه کرده بفرستادیم صنیع الدوله  
 نایب نظر زیندار باشی تمام خلوت و غیره بودند یک آفتاب خسته روی هوای خیلی خوب دم حسنیجان امین حضرت و غیره هم بودند هوای گرم بود عصری  
 بمنزل مراجعت کردیم حکیم کز و میزرا نصرانه و سیوهینه دندان زاده بودند شجاع السلطنه با قراول فوج بهادران تبریز در رکاب است شب خیلی گرم  
 بود خوابم نبود روز پنجشنبه دوازدهم باید برویم فجر صبح برخاسته سوار شدم ما از راه دره گذر فرستیم میر شکار را با چند نفر عمده فرستاده بودیم امرای تبریز  
 بسازند بعضی از جایهای راه خیلی بد بوده اما بعد از ساختن آب خوب میرفت فرستیم از راه کند تا رسیدیم کبند پامین بعد فرستیم کند بالاده بالا آبا و  
 بهتر است فرستیم بالاتر از دره که از راه دره و آب بارویم راه بدی داشت میر شکار دیده شد پیاده شدیم سایرین هم پیاده شدند دیدیم هر چه بالاتر برویم  
 بیدخت و سنگستان است فرستیم بالای بلندی پیاده شدیم آفتاب کردان زدند نهاد خوردیم عرصه الملک و زیندار باشی و محمد قلیخان میرزا خور و  
 جعفر قلیخان و حسنیجان و غیره بودند دو ساعت و نیم بغروب مانده سوار شده فرستیم رو با فجر راه خوبی بود همه جا هم سواره فرستیم بدنه منبرگ حاصل زبانی  
 دارد همه سبزه خرم سبزه جو اینجا با سبزه است درختها امسال بیش خوب است ده کند هم بسیار حاصل خیز و سبزه خرم است محمد حسنیخان قاجار  
 معروف بقبرل باغ در کند املاک موردی از مال پوری دارد خلاصه یک ساعت و نیم بغروب مانده وارد فجر شدیم فجر هم بسیار گرم است مخصوص  
 امروز شب را بیرون شام خوردیم صنیع الدوله بود روزنامه میخواند اوضاع مصر سبزه روز با خیلی معوشش است روز جمعه سبزه هم بر جاییم  
 لا صبح زود سوار شدیم امین السلطان و سایرین بودند رانندیم از کوه سبزه در کجا چال تحقق محمد حسین میرزای شجاعت بجنور رسیدند شام پزده  
 ناخوش بود صنیع الدوله و زیندار باشی بسراه بودند سرگرد و نه بنهار افادیم نوشیروان میرزای رضای الدوله در سرگرد بجنور رسید سایرین  
 که امروز بجنور رسیدند عبدالقادر خان شجاع الملک محمد میرزا برادر میزرا آقا مسیح آقا سکور ابرایم خان غلام حسنیخان مهدیان بودند بعد از آنها  
 از کوه سرازیر شده رانندیم برای منزل که چشمه قلی است شش ساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم تحقق باغ خود هوای اینجا خوب است همه در غمزه است محمد

عمارت در میان مبارک که بعد از آن

این روزنامه شریفه ماهی یک نوبه بطبع میرسد

قیمت نسخه تکمیل آن بیست و یک تومن و دویست و شصت



عمارت مرخانیه مبارکه که مسجد است

عمارات هر خانه مبارکه دار آن سلاطین بامهره ممکن خدام حرم جلالت عبارت از بیوتات عیقه و آبسیه قدیمه بود که از چهار پاوشاهنده چنانکه  
از آنها را که بنجان کیل در او ان قامت طهران بنا نهاده و برخی را فرمان حضرت شاه شهید سعید آقا محمد شاه و چند باب را با امر خاقان  
فخعلی شاه و چند باب دیگر را حکم شریار میرورماضی محمد شاه ناراند بر ما نهم ساخته بودند و این بیوتات خیلی متعدد و در کمال عظمت آنهاست  
و خرابی بود و مطلقاً محل طمیسان طرف عمارت نتوانست شد و نمیتوانست در آن مسکن آسوده و خیال زیت نماید چه ضرور و چه موجب  
فور و اندام مبانی عمارات میکرد و خاصه در خاک طهران که چندان قوتی ندارد که شستند از این قیامت بسیار معتبر از زیر عمارات فرورده میکند  
یکی قیامت هر کرد که از قدیم در همین محلی جاری بوده دیگر قیامت همی که در او ایل جلوس بدنا نوس این حضرت شاهنشاهی خداوند  
احداث شده و الی الان زیاد از سی سال است که داخل عمارات هر خانه فرورده میشود و مسلم است که عبور و قیامت معتبر از زیر عمارت موجب  
و در مبانی آن میکرد و هر چند آن مبانی را نهایت استحکام باشد و آن مجاری را بجزئی و در پستی ساخته باشند و مواظبت از آن کنند و همین  
هر سال تقریباً سی هزار تومان خرج تعمیر و مرمت این عمارات میشود و اگر امسال هم بمرمت تعمیر میرسد چنانچه هفتاد و هشتاد هزار تومان مخارج داشت  
و از رفع زلزله خیال و پرسی از بعضی مخاطرات نمیشد در صورت صواب آن بود که بجای تجدید این عمارت پردازند تا هر سال دیوان جوان  
که قار و دچار خسارت فوق العاده مرمت و رحمت خطر و خرابی نباشد و از آنجا که این کاخ شغلی نهایت بزرگ و شامل و همی خطیر و عظیم بود  
بمباشرت و کار دانی شخصی کافی صورت انجام یابد که بعضی مناسبات از بابت وجوه و تسلط و اسپاب و غیره داشته باشد جناب امین  
وزیر دربار اعظم و خزانه عامه را برای اسکال این قصد وقت خستیار و انتخاب فرمودند و از اول سفر خیر اریلاق بایونی شروع نمودند  
و هر روز پنجاه نفر عمده و بنا و تجار و حجار و نقاش مشغول کار بودند و شب روز کار میکردند تا در طرف همگامه این کار بزرگ و بنای بار  
و عظمت در کمال استحکام و منانت بید کفایت جناب امین سلطان و معماری حاجی ابوالحسن معیار باشی زیور تمام و در آپستکی حاصل نمود  
و فی الحقیقه کاری صعب و سنگین بود و جز جناب معری الیه اگر کسی اقدام و مباشرت میکرد میتوان گفت بدستی از عهد بر نمی آمد چه از وقت  
که شروع بخرابی نمودند با وجود اسپاب و لوازم خارجه که کاملاً آماده و مهیاست و مال بازش کرایه که در کار داشتند تا مدتی زوری  
بزرگ را پس و نفر قاطر و شتر دیوانی حمل خاک و آوار از در خطه عمارت بخارج می نمودند نیز جناب امین سلطان بوجهی سایر اسپاب و مصالح  
و آلات ادوات و کار کرد و اسپاب متعلقه بنیان را با وجود رعایت هر چه انصاف و حسن سلوک و در پستی و در پستی که شوه مخصوص است

و از آن هم نمودند که بر شخص ایشان کسی را دارای این خیرت و بصیرت و نظم عمل نظر نداریم و در حقیقت جای کمال تعجب است که این همه آئینه قدیمه را از آن طرف بمشامه بالمره خراب کنند و صیاح و خاک و خاشاک آنرا بیرون برند و از نو یک عمارت خیلی عظیمی بطرح تازه بسازند که روی اسم قدس داری



جناب امین سلطان

هزاران مسکن باشد و همه باشند و آجر و گچ ساخته شود پس اینکار از عجایب کارهای این عصر است. حکام این بنا در جایت که البته صد سال دیگر تعمیر لازم ندارد و این بنا وسیع خیلی بزرگ و با صفات جدولها با پنجاه و نه خایانه های متعدد درین جای بزرگ و حیاطهای بزرگ شده و از آئینه قدیمه تنهائی که باقی مانده بوفی قدیمی و حکم و ولایت تالاریست مشهور بتالار طربسی که در سال هزار و دویست و نوزده با مر خافان

حلد شیام محلی شاه طاب راه ساخته شده و اشکال تصاویر کارگاهها و جنگهای همان شاه شاه در آن تالار نش و مرتسم بودن مالار  
 بجهت یادگار نگاه داشته و جزو این عمارت کرده اند خلاصه چون این بنای رفیع عالی با وضعی ممتاز و استیاری کامل تمامی تحمیل یافت  
 آنکه مسکون شود و حدی از خادمان حرم جلالت در آن مسکنی گیرد لازم دانستیم که صورت آنرا در روزنامه شریفه شرف نش و مصور سازیم  
 این بنائی که در این روزنامه دیده میشود چنان تصویر شده که بطرف مغرب عمارت نظر میکنند و از دو سمت شمال جنوب هم قدری نموده شده با طرف  
 مشرق و بقیه طرف جنوب شمال که از نظر مستور است بجهت وضع نقاشی است که ممکن نیست یک بنائی باین سمت و عظمت را نقاشی نمایند  
 که جمیع جهات و اطراف آن مشهود باشد و اگر کلیه بنا را بنحوا پسند از قرار ذیل است

سطح زمینی که عمارت شالانت چهل و پنجاه ذرع مربع میباشد که بیت هزار آن ساخت بناست و بیت و پنجاه فضای حیاط طول  
 عمارت بزرگ اندرونی صد و بیست ذرع و عرض صد ذرع فضای حیاط من حیث المجموع دوازده هزار ذرع پنج باب تالار بزرگ در طرف طول آن  
 چهار تالار در طرف عرض هشت رخت شوخانه و نه حمام و نوزده جلوت مسکون دارد که هر یک عمارت معتبر است آفاق مسکون عمارت خیر از راه  
 و راه پله تختانی و فوقانی عبارت از پانصد بابست باجمله بعد از آنکه جناب امین السلطان طوری که باید و شاید در ذور انجام چنین خدمتی  
 و عهد باشد مورد لطف و ماحم خاصه سروان گردیدند و شرایط آسایش و سکونت این عمارت عالی بنائی باشکوه موجود و آماده گردید  
 روز مقیم شهر بیع الاول خدام حرم جلالت باین پسرای بخت آتما دخل گردیده هر یک در اماکن و مساکن مقسوره خود مسکنی گرفتند

### جناب امین السلطان

جناب امین السلطان زیر دربار عظم و خزانه عامه از ابتدای تقلد خدمات استمان همایون و مراقبت در حمام جلیله دولت نوزاد  
 طرف وثوق و اعتماد کامل خاطر خطیر علیحضرت شایستهی تنزیه بوده و در سال هزار و دویست و هشتاد و شش لقب جلیل امین السلطان  
 لقب گردیدند و الی الان که وزیر دربار عظم و خزانه عامه میباشدند روز بروز بر مشاغل و مناصب و مدارج ترقیات ایشان افزوده  
 و بموارد طاهره نام و خایر تقدیر را بوجه اکل از مساعی و مجاهدات خود خرسند ساخته و عهده استیارات این دولت قوی شوکت علی را

حاصل دریافت نموده اند

محمد حسن